

۴۶۲۸۶۴

۴۴/۲۲

آسیب های اجتماعی کودکان

تألیف:
اصغر اکبری



اسنادات آردن

سرشناسه	: اکبری، اصغر، ۱۳۵۴.
عنوان و نام پدیدآور	: آسیب‌های اجتماعی کودکان / تألیف: اصغر اکبری.
مشخصات نشر	: تهران، آرون، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۰ ص.
شابک	: ۷ - ۳۷۴ - ۲۳۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
موضوع	: کودکان بی سرپرست - ایران - Abandoned Children - Iran
موضوع	: وضع اجتماعی - آسیب‌شناسی روانی - والدین و کودکان
موضوع	: Social Conditions - Child psychopathology - Parent and Child
رده‌بندی کنگ	: ۱۳۹۵ الف ۷ / HV۷۸۷۳
رده‌بندی دی	: ۳۰۵/۲۳۰۸۶۹۴۵
شماره کتابخانه ملی	: ۴۵۲۹۲۶۹



انتشارات آرون

آسیب‌های اجتماعی کودکان

تألیف: اصغر اکبری

ناشر: انتشارات آرون

چاپ اول: ۱۳۹۵

چاپ مدیران: ۱۲۰۰ نسخه

۱۲۰۰۰ تومان

نشانی: میدان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - خیابان وحید نظری - ترسیده به خیابان منیری جاوید

تلفن: ۵۱ - ۶۶۹۶۲۸۵۰

پلاک ۱۰۵ - واحد ۲

وبسایت: www.Aravnashr.ir

ایمیل: Aravnashr@yahoo.com



فهرست مطالب

۷	 مقدمه
۱۷	 فصل یک: کلیاتی در خصوص کودکان
۱۷	 تعریف کودک
۱۹	 تعاریف کودکان بی سرپرست و بدسرپرست در قوانین
۲۳	 تعاریف اجتماعی کودک، بدسرپرستی و بی سرپرستی
۲۵	 فصل دوم: دلایل بروز بدسرپرستی و بی سرپرستی
۳۳	 انواع خشونت‌های خانگی
۳۴	 کودکان بدسرپرستی و بدسرپرست
۳۴	 آزار و اذیت کودکان
۳۵	 اعتیاد والدین
۴۰	 اختلالات روانی والدین

ازدواج مجدد والدین	۴۱
قومیت و کودک آزاری	۴۴
پاداش و تنبیه در ارتباط با کودکان	۵۳
فقر و بدسرپرستی کودکان	۵۸
تجین خشونت علیه کودکان	۶۲
بدبختی زنی و کودک آزار دیده	۶۲
یادگیری روش‌های ارتکاب بزه در کودکان	۶۸
کودکان و رفتارهای پرخطر	۷۴
مثال‌هایی از کودک آزاری	۷۵
فصل سه: آسیب‌های رایج در بین	۸۱
مصرف مشروبات الکلی	۸۱
رفتارهای پرخطر جنسی	۸۴
فصل چهار: روش‌های پیشگیری از	۹۱
- در نظر گرفتن عوامل محافظت و خطر آفرین	۹۶
- مدل تغییر	۹۷
- مدل توسعه‌ی اجتماعی	۹۷
- مدل آموزش عمومی	۹۷
- مدل رفتاری - شناختی	۹۷
- مدل اجتماعات مراقبت نگر	۹۸
- مدل بوم‌شناسی - اجتماعی پیشگیری از کودک آزاری	۹۹
فصل پنج: مهارت‌های فرزندپروری	۱۰۵
عوامل خطر آفرین در سطح فردی	۱۰۹

- الف) نگرش و باورهای فرد ۱۰۹
- ب) عوامل خطر آفرین خانوادگی ۱۱۰
- ج) عوامل خطر آفرین اجتماعی ۱۱۰
- ۱- سبک ارتباطی سهل گیرانه ۱۱۱
- پیمانه های سبک ارتباطی سهل گیرانه ۱۱۲
- ۲- سبک ارتباطی مستبدانه ۱۱۲
- پیمانه های سبک ارتباطی مستبدانه ۱۱۳
- ۳- سبک ارتباطی مساوات طلبانه ۱۱۳
- ویژگی های اثر دای سبک ارتباطی مساوات طلبانه ۱۱۳
- الف) سبک تربیتی سهل گدانه ۱۱۴
- ب) سبک تربیتی مستبدانه ۱۱۵
- ج) سبک تربیتی قاطعانه ۱۱۶
- پیمادهای سبک ارتباطی قاطعانه ۱۱۷
- ۱- کودک نافرمان و والد مستبد ۱۱۷
- ۲- کودک نافرمان و والد قاطعانه ۱۱۸
- خانواده هایی که دارای چنین سبک تربیتی هستند ۱۱۸
- ۳- کودک نافرمان و والد سهل گیر ۱۱۸
- این خانواده ها دارای ویژگی های ذیل می باشند ۱۱۸
- ۴- کودک سهل گیر و والد مستبد ۱۱۹
- ۵- کودک سهل گیر و والد سهل گیر ۱۱۹
- ۶- کودک سهل گیر و والد قاطعانه ۱۱۹
- ۷- کودک مشارکت طلب و والد مستبد ۱۲۰

- ۸- کودک مشارکت طلب و والد مستبد ۱۲۰
- ۹- کودک مشارکت طلب و والد سهل گیر ۱۲۰
- ارتباط کودک و والد در چنین خانواده‌هایی ۱۲۰
- ویژگی‌های خانواده سالم ۱۲۱
- نتیجه گیری ۱۲۲
- منابع و مآخذ ۱۲۳

مقدمه:

خانواده اولین پایگاه رشد، آموزش و تعالی انسان‌هاست. این نهاد با ازدواج و زایش بشری شکل گرفته و با تولد فرزندان ساختار خود را کامل‌تر می‌نماید. در خانواده، فرزندان تحت تعلیم و تربیت پدر و مادر بوده و در طول مراحل مختلف رشد از والدین الگوپذیری نموده و جنبه‌های مختلف زندگی را تجربه می‌کنند. یکی از عواملی که می‌تواند کارکرد خانواده را دچار مشکل کند بی‌سرپرستی است، این پدیده به صورت مشکلاتی از قبیل فوت والدین، طلاق، اعتیاد، زندانی بودن والدین و... ظاهر می‌شود. نحوه برخورد، تدریس، دوست داشتن و مساعدت با فرد، او را برای ایفای نقش‌های اجتماعی در برطرف ساختن نیازهایش یاری می‌دهد، ارتباط و پیوند افراد خانواده نیز بر سلامت روانی و جسمانی آنان تاثیر دارد به گونه‌ای که الگوهای رفتاری فرزندان را در بزرگسالی بنیان می‌نهد و موجبات امنیت خاطر و باور خود را در آنان فراهم می‌سازد (ایلینیگورث، ۱۳۷۱: ۱۸۷).

بی‌سرپرستی پدیده‌ای است که در تمام جوامع بشری وجود داشته و به وقوع پیوستن آن اجتناب ناپذیر است. جنگ، حوادث، اتفاقات و بیماری‌هایی که منجر به مرگ و میر می‌شود، ناسازگاری‌هایی که منجر به

طلاق می‌گردد، ناملایمات و دشواریهای زندگی، فرار پدر از منزل و... باعث بی‌سرپرستی شده و نهایتاً ناهنجاری‌هایی را برای اعضای خانواده به وجود می‌آورد. استمرار و تداوم ارتباط با والدین به ویژه در سالهای نخست زندگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. کودکانی که در الهای اولیه زندگی به نوعی یکی از والدین و یا هر دو را از دست می‌دهند در پاره‌ای موارد دچار بحران‌های عاطفی و احتمالاً ناامنی خواهند شد. همچنین اختلالاتی نظیر پرخاشگری، نافرمانی، ناسازگاری و... سرانجام ناهنجاری آنها در اداره زندگی می‌شود (همان: ۱۹۱).

در سال‌های اخیر با تشدید مشکلات اقتصادی و اجتماعی و گسترش آسیب‌های اجتماعی، کودک‌آزاری به عنوان یک آسیب اجتماعی پنهان گسترش زیادی یافته است. کودکان به عنوان یک قشر آسیب‌پذیر در معرض خطر استرس، انواع آزارهای جسمی، روانی و اجتماعی قرار دارند. از طرفی کمبود حمایت‌های اجتماعی و ضعف قوانین موجود، بر این مشکلات افزوده است. کودکانی که در شیرخوارگاه زندگی می‌کنند در معرض بیشترین خطرات قرار دارند.

پس از گسستن خانواده به سبب طلاق یا مرگ یکی از والدین بسیار دیده شده که کودکان معصوم به بهانه فقر یا عدم توانایی یکی از والدین یا ازدواج مجدد ایشان به موسسات نگهداری کودکان بی‌سرپرست سپرده شده و از نعمت داشتن خانواده محروم گشته‌اند و در معرض مشکلات مختلفی از جمله: اقتصادی، اجتماعی، روانی، پرخاشگری، نافرمانی، کج خلقی و... قرار می‌گیرند (سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۸۸: ۱۸).

با عطف توجه به این موضوع در این تحقیق سعی می‌شود عوامل خانوادگی تأثیرگذار بر حضور کودکان در شیرخوارگاه‌های شهر تهران مورد مطالعه قرار گیرد.

خانواده یکی از نظام‌های اولیه جوامع بشری است که با وجود تحولات اساسی، در اهداف و کارکردهای خود ثابت مانده و هنوز در همه جوامع، اهمیت اساسی دارد. خانواده مناسب‌ترین نظام برای تأمین نیازهای مادی و روانی بشر بوده و بهترین بستر را برای تأمین امنیت و آرامش روانی، آموزش، پرورش نسل جدید و اجتماعی کردن فرزندان و برآورده ساختن نیازهای عاطفی افراد فراهم نموده است. در عصر حاضر، نظام خانواده دچار مشکلات و چالش‌هایی اساسی شده است. اختلافات خانوادگی، طلاق، استیفاء فرزندان بی‌سرپرست، بزهکاری نوجوانان و جوانان نشان دهنده مشکلات اساسی در خانواده‌های ما است (سالاری فر، ۱۳۹۰: ۱۳).

از آنجا که با گسترش آسیب‌های اجتماعی شاهد افزایش حضور کودکان در مراکز شیرخوارگاه هستیم، سیاست‌گذاران برای مهار رشد آنها در این مراکز ممکن نیست مگر از طریق تشخیص و رفع ریشه‌ای بی‌سرپرستی و عواملی که باعث کاهش میزان حضور کودکان در شیرخوارگاه‌ها می‌گردند.

کودک در هنگام تولد، موجود ناتوانی است که برای طی مسیر زندگی مستقل، نیاز به حمایت خانواده دارد. عدم توانایی در جذب و ارائه محبت، الگوپذیری و اجتماعی شدن در دوران زندگی کودک فاقد والدین دیده می‌شود به طوری که اگر این محرومیت خصوصاً در

سال‌های اول زندگی باشد، ادامه زندگی سالم کودک با مخاطره بسیار جدی مواجه می‌شود.

از دست دادن والدین یا یکی از آنها خانواده را دچار نقص می‌کند و آنگاه که خانواده‌ی گسسته تداوم زمانی پیدا کند تأثیرات منفی بیشتری بر کودکان داشته، زمینه را برای بروز آسیب‌های اجتماعی مختلف مهیاتر می‌کند. در واقع، ما به خوبی ریشه هر نوع رفتار ضد اجتماعی کودکان را نیز در آسیب‌های خانوادگی می‌بینیم (بالبی، ۱۳۵۹: ۲۶).

دولت سعی دارد تا به طرق مختلفی چون فرزندخواندگی و یا واگذاری کودک تحت قیمیت، فرد از حضور طولانی مدت کودک در مراکز نگهداری شبانه‌روزی جلوگیری نماید. لذا انجام پژوهش‌های کاربردی جهت شناسایی علل سوء رفتار پذیرش این کودکان در مراکز شبانه‌روزی اهمیت دارد.

پدیده‌ی بی‌سرپرستی و بدسرپرستی از هزاران سال پیش به عنوان یک مشکل اجتماعی مطرح بوده و همواره زنان و کودکان در معرض انواع آزارهای جسمی، روانی و عاطفی قرار گرفته‌اند. در برخی از جوامع همواره نگاه ویژه‌ای به موضوع بی‌سرپرستی می‌شد. در ایران‌های کهن کودکان و نوجوانانی که سرپرست خود را از دست می‌دادند تحت قیمومیت بستگان پدری و مادری قرار می‌گرفتند. در برخی از جوامع نیز به کار گرفته شده و در نتیجه در مزارع کشاورزی و دامداری مشغول به کار می‌شدند. این کودکان و نوجوانان ممکن بود در معرض انواع مخاطرات و آسیب‌های جسمی و روانی قرار بگیرند. پدیده‌ی بد

سرپرستی نیز هرچند قدمت آن به هزاران سال پیش بر می‌گردد اما طی دهه‌های اخیر نوع و شکل آن تغییر کرده است. با صنعتی شدن جوامع نیاز روز افزون به نیروی کار بیشتر شد. شکل خانواده نیز از گسترده به هسته‌ای تغییر کرد. ارزش‌های مدرن جایگزین ارزش‌های سنتی گردید. هنجارهای فرهنگی و اجتماعی جدیدی در جامعه شکل گرفت که با هنجارهای سنتی تضاد داشت. جوامع و فرهنگ‌ها نیز دچار دگرگونی شدند و چنین تغییراتی باعث شکل گرفتن آسیب‌ها و تغییرات عمده‌ای در بطن جامعه شد.

یکی از دهه‌هایی که از این تغییرات در امان نماند خانواده بود. خانواده اصلی‌ترین نهاد اجتماع، محل زندگی و رشد افراد، شکل‌گیری باورها و هنجارهای اجتماعی است. هرچند با پیشرفت تکنولوژی‌های جدید انتقال ارزش‌ها از خانواده به سمت جامعه هدایت شده اما خانواده نقش و جایگاه اصلی خود را حفظ نموده است. البته بروز آسیب‌های نوپدید و تشدید آسیب‌های اجتماعی باعث گردید تا نقش و کارکرد خانواده تغییر یابد که در این رابطه پیوندهای بی‌سرپرستی و بد سرپرستی از نتایج دگرگونی و تغییر در شکل زندگی خانواده بوده است.

واژه‌ی بی‌سرپرستی در اصطلاح به فقدان مراقب و یا حامی موثر جهت نگهداری طفل گفته می‌شود و بد سرپرستی نیز به هرگونه آزار و اذیت جسمی، روانی، اهمال و غفلت که از طرف مراقبین و افراد موثری که وظیفه‌ی نگهداری و مراقبت از فرد را بر عهده دارند اطلاق می‌شود. عوامل متعددی بر بروز بی‌سرپرستی و بد سرپرستی موثر است که

می‌توان به فوت یا از دست دادن حامیان، طلاق، وابستگی به مواد اعتیادآور، رها شدن، بروز حوادث و سوانح طبیعی مانند سیل، زلزله، مهاجرت و جنگ، حمایت‌های اجتماعی و قانونی ضعیف و ... اشاره نمود.

بی‌سرپرستی و بدسرپرستی بر قشرهای ضعیفی چون زنان و کودکان پیامدهای مختلفی دارد و آنها را در معرض آسیب و مشکلات فراوان قرار می‌دهد. فقدان یک فرد مهم و موثر در زندگی باعث می‌شود افراد از جود یک تکیه گاه محکم در زندگی محروم شده و پیامد آن به شکل بروز مشکلات عصبی و روانی، از دست دادن اعتماد به نفس و کارکرد موثر اجتماعی و بروز مشکلات جسمی نمود پیدا کند. هرچند در بسیاری از کشورها قوانینی برای حمایت از این قشر به تصویب رسیده است اما فرهنگ برد سالارانه و عدم حضور و یا حضور ضعیف اقشار آسیب‌پذیری مانند زنان کودکان در تصمیم‌سازی‌ها و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و موانع سیستماتیک، فرهنگی، اجتماعی و ساختاری سبب شده‌است تا اثرگذاری برنامه‌های حمایتی از این گروه‌های آسیب‌پذیر کم شده و در نتیجه فقر و مشکلات آنها تشدید گردد.

در کشور ما نیز هرچند در بخش‌های مختلف، قوانین نسبتاً خوبی در حمایت از زنان و کودکان بی‌سرپرست داریم اما مشکلات و موانع فرهنگی، اجتماعی و سیستمی باعث شده است تا اثرگذاری اجرای این قوانین به حداقل کاهش پیدا کند. علاوه بر این در قانون برنامه‌ی پنجم توسعه در بخش حمایتی و توانمندسازی و در بند ۳۹ اشاره‌هایی به

حمایت از زنان سرپرست خانوار شده است اما گسترده بودن مشکلات این قشر، تعدد آسیب‌های آنان و کمبود نیروهای متخصص در حوزه تصمیم‌سازی، سیاست‌گذاری و اجرا باعث شده است تا اقدامات عملی اندکی در جهت حمایت از آنها صورت گرفته و در نتیجه بازخورد این روند به شکل بازتولید و تشدید آسیب‌های اجتماعی در بین آنها صورت پذیرد. لذا تقویت قوانین مربوط به این گروه از زنان و کودکان، اتخاذ سیاست‌ها، برنامه‌های حمایتی در راستای توانمندسازی، کاهش آسیب و افزایش ظرفیت آنها در قانون برنامه‌ی ششم توسعه می‌تواند به کاهش مشکلات و توانمندسازی آنها منجر شود.

بیان موضوع

طی دهه‌ی اخیر بر شمار کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست افزوده شده است. هرچند پدیده‌ی بی‌سرپرستی و بدسرپرستی یک پدیده‌ی جدید نیست و قدمت آن به صدها و هزاران سال پیش بر می‌گردد اما بروز اتفاقاتی نظیر جنگ و آوارگی، گسترش حر و گرسنگی، افزایش شکاف بین فقرا و اغنیاء، حوادث طبیعی نظیر سیل و زلزله، تغییرات اقلیمی و تشدید آسیب‌های اجتماعی نظیر طلاق، اعتیاد، فرار رندانی شدن و ... باعث افزایش کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست گردید و مشکلات آنها را پیچیده و بیشتر نمود.

با توجه به اهمیت موضوع و گسترش روز افزون آسیب‌های اجتماعی ضرورت توجه به خطراتی که کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست با آن مواجه هستند بیش از گذشته نمایان شده است. هر

سال بر شمار کودکان قربانی افزوده می‌شود. آنها در معرض خطرات و آسیب‌های زیادی قرار دارند. اغلب این آسیب‌های پایدار بوده و تا دوران بزرگسالی ادامه خواهد یافت. کودکان آسیب دیده هنگامی که مراحل رشد خود را سپری می‌نمایند چنانچه خدمات درمانی مناسبی دریافت نموده باشند باعث تشدید مشکلات آنها خواهد گردید و لذا عملکرد اجتماعی آنها با مخاطرات جدی مواجه می‌شود.

کودکان برای سنی نیاز به برنامه‌هایی برای پرورش و رشد عاطفی خود دارند. چنین امری وظیفه‌ی والدین و جامعه را دشوار می‌سازد. اما تعدد عوامل - بطور آفرین - که پیرامون آنهاست ضرورت برنامه‌ریزی مناسب جهت رشد سالم آنها را بیش از گذشته نمایان می‌کند.

هدف ما از نگارش این کتاب بررسی علل بدسرپرستی و بی‌سرپرستی در بین کودکان و سرپرستی است که قربانی شده‌اند. هر چند تا کنون پژوهش‌های متعددی در این خصوص انجام شده است اما با توجه به تجربیات نویسندگان در ارتباط با کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست در کتاب حاضر سعی در پرداختن به نیایای جدیدی از آسیب‌های کودکان خواهیم داشت.

کودکان و نوجوانان سرمایه‌های انسانی و اجتماعی هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند. عدم توجه و پرداختن به وضعیت آنها باعث خسارت‌های زیادی در جامعه خواهد شد. آنچه مشخص است پرداختن به این مسئله است که علل بدسرپرستی و بی‌سرپرستی کودکان مشخص شود و ضمن تشریح فرایندی که در آن نحوه‌ی دریافت خدمات به آنها

توضیح داده می‌شود به ارایه‌ی راهکارهای عملیاتی جهت کاهش مشکلات آنها پرداخته شود.

ما نیز در این کتاب سعی در ارائه‌ی جهت‌گیری کاربردی و عملیاتی در ارتباط با وضعیت این کودکان خواهیم داشت. همچنین نتایج این کتاب می‌تواند راهکارهای کاربردی برای عموم جامعه نیز داشته باشد. زیرا عموم کودکان ممکن است در معرض خطر قرار گرفته باشند. امید است که خوانندگان محترم با پیشنهادات و نظرات خود ما در غنی ساختن این کتاب یاری نمایند.